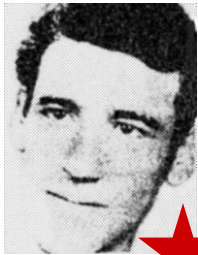




از کارگران چریک فدایی خلق بیاموزیم



رفیق حسن نوروزی

وقتی که شلیک سلاح‌های آمریکائی مزدوران شاه، قلب سرخ و گرم کارگر انقلابی رفیق حسن نوروزی را در دی ماه سال ۵۲ از تپیدن بازداشت کارگران ایران یکی از پیشروان آگاه و رزمنده خود، و چریکهای فدائی یکی از رهبران کبیرشان را از دست دادند. کارگر رنج کار چشیده‌ای که از ۹ سالگی اجباراً کار کرده بود و در ۱۴ سالگی برای کار به بوشهر و بندرعباس رفته و سپس در ۱۸ سالگی به‌طور غیرقانونی خودش را به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسانده و در شرایط طاقت‌فرسای آنجا برای تأمین معاش خود و خانواده‌اش کار کرده و تجربه اندوخته بود. او بعدها هم در کارخانجات راه‌آهن در بخش لوله‌کشی و تأسیسات به‌عنوان یک کارگر متخصص مشغول کار شد. رفیق نوروزی در سال ۴۸ با توجه به آگاهی‌هایش، به گروه کمونیستی‌ای پیوست که بعدها به نام گروه رفیق احمدزاده شناخته شد. در آن ایام گروه رفیق احمدزاده ضمن انجام کار تتوریک برای شناخت هر چه دقیق‌تر جامعه ایران انجام فعالیت‌هایی در جهت رسوخ در توده‌های کارگری و ایجاد زمینه مناسب برای تشکیل حزب طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار داده بود. در جریان همین فعالیت‌ها بود که گروه واقعیات عینی جامعه را بهتر شناخت و به این نتیجه مبارزاتی رسید که برای مقابله با رکود و خمودی که به‌دنبال شکست مبارزات پیشین و خیانت و سازشکاری‌های رهبران گذشته بر مبارزات توده‌ها حاکم شده و برای در هم شکستن بن‌بست مبارزاتی حاکم بر جنبش در آن سال‌ها تنها راه، اعمال قهر انقلابی می‌باشد. در رسیدن گروه به این دستاورد بزرگ و راهگشایی در جنبش خلق ایران، کارگران عضو گروه و از جمله رفیق نوروزی نقش مهمی داشتند.

رفیق نوروزی از اولین کارگرانی بود که حاصل تجربیات خود در میان کارگران را طی مقاله‌ای برای دیگر اعضای گروه چنین تشریح نمود: "هر نوع کار تبلیغی سیاسی با

معاون وزیر کار

کارگران بیکار را "علاف" نامید!

معاون کارآفرینی و توسعه اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز پنج شنبه ۱۱ دی ماه، در برخورد در گفت‌وگو با خبرگزاری رسمی دولت گفت: ما در کشور هفت میلیون نفر "بیکاره" داریم، افرادی که فاقد هرگونه درآمدی هستند. این افراد نه اشتغال دارند و نه مهارت، و در عین حال به دنبال اشتغال هم نمی‌گردند. در اصطلاح خارجی [در زبان انگلیسی] به این گروه از بیکاران «neet» گفته می‌شود که در دوره‌ای به دنبال کار می‌روند، ولی پس از مدتی به‌صورت ابر پراکنده شده و خبری از آن‌ها نیست و در اصطلاح عامیانه به این بیکاران، "علاف" نیز گفته می‌شود.

وی در ادامه افزود: بر اساس آمار، حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار فرصت شغلی در بازار کار ایران در دست افغانه است. این گروه از اتباع خارجی، برخی از فرصت‌های شغلی سخت را در اختیار دارند که به‌نظر می‌رسد بیکاران ما در ایران کمتر به این نوع مشاغل علاقه‌مندند و یا حاضر به انجام آن نیستند.

اعتراض ۲۵۰ کارگر معدن چادرملو به کاهش ۲۰ درصدی پاداش تولید!



روز یکشنبه ۱۴ دی ماه، یکی از کارگران معدن چادرملو خبر داد که نزدیک به ۲۵۰ نفر از کارگران سایت صنعتی معدن چادرملو در اعتراض به کاهش شدید کارانه‌ها (پاداش تولید) در محل کارخانه دست به تحصن زده‌اند. کارگران سایت صنعتی معدن چادرملو از ابتدای امسال با کاهش ۲۰ درصدی کارانه تولید مواجه شده‌اند. این اعتراض صنفی به‌صورت همزمان توسط کارگران خط کوه نیز انجام شد که طی آن کارگران این بخش نیز برای چندساعتی دست از کار کشیدند. به گفته وی، کارگران سایر بخش‌های معدن نیز دارای مشکلات صنفی مشابهی هستند.



سرسخن:

راه حل دولت روحانی برای رفع بیکاری

به گزارش خبرگزاری‌های رسمی ایران نرخ بیکاری امسال نیز افزایش یافت. سال گذشته، رئیس کل مرکز آمار ایران مطرح کرده بود که نرخ بیکاری در ایران به مرحله "بحرانی" رسیده است. از این سخن می‌شد تصور کرد که به‌قول مثل معروف، آش تا چه حد شور است که خان هم فهمیده، حال که امسال به گفته خودشان بیکاری در جامعه ابعاد باز هم بیشتری یافته است می‌توان گستردگی این معضل خانه‌برنداز و اثرات مخرب آن را در کل جامعه بهتر درک نمود. واقعیت این است که تداوم بحران در سیستم سرمایه‌داری جهانی و تلاش امپریالیست‌ها برای سرریز کردن آن به جامعه ما (و جوامع تحت سلطه دیگر نظیر ایران) باعث شدت‌گیری رکود اقتصادی در ایران به چنان درجه‌ای گشته که روزی نیست که خبر تعطیلی این یا آن کارخانه و بیکار شدن کارگران و تجمع اعتراضی آن‌ها به گوش نرسد. کار به جایی رسیده است که به گزارش ایسنا (۳ مهر ۱۳۹۳) تنها در استان لرستان ۱۶۰۰ واحد تولیدی در فاصله بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تعطیل یا نیمه‌تعطیل شده‌اند، و به گویشی دقیق‌تر، از ۱۶۰۰ واحد تولیدی در لرستان امروز فقط ۴۰۰ واحد در حال فعالیت است. در چنین شرایطی است که دیگر امری چون "تعطیلی کارخان‌های با ۲۵۰۰ کارگر" ظاهراً خبری شوک‌برانگیز به نظر نمی‌رسد و یا تعجب‌انگیز نیست که با تیتیر چنین خبری مواجه می‌شویم: "بیکاری ۱۸۰۰ کارگر "بافت بلوچ" و راه‌اندازی زندان ۲ هزار نفری در مقابل کارخانه" و در خود خبر گفته می‌شود: "عضو شورای شهر ایرانشهر با اشاره به این که زندان جدیدی روبه‌روی کارخانه ساخته شده است، تصریح کرد: "در حال حاضر ۲۰۰۰ زندانی در زنداند و تحقیقات نشان داده است، بیکاری از عوامل مهم وقوع جرم است". (خبرگزاری هرانا، ۲۵ مرداد ۱۳۹۳)

ادامه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۳





اما اگر دلیل بحران بیکاری در جامعه ما وجود سیستم سرمایه‌داری و وابستگی آن به سیستم جهانی امپریالیستی است و در نتیجه برای حل این معضل و درمان درد، الزاماً نیاز به عمل جراحی اساسی می‌باشد و باید ریشه سرمایه‌داری را تماماً از جای کند تا بدن بیمار جامعه رو به بهبود رود، دولت روحانی که خود خدمت‌گزار سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران و حافظ و مدافع منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران داخلی است نه تنها قادر به چنین عملی نیست بلکه می‌کوشد به اقداماتی دست زند تا شاید بتواند چند صباحی دیگر بر عمر این سیستم گندیده بیافزاید. چنین است که دولت روحانی به فکر حل معضل بیکاری در ایران به شیوه خاص همه نوکران و خدمت‌گزاران سرمایه‌داری افتاده است. این راه‌حل چیزی جز "بسته جدید اعزام متقاضیان کار به خارج" نمی‌باشد. در این زمینه خبرگزاری مهر به تاریخ ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۳ گزارش داد که "به تازگی برنامه ریزی‌های جدیدی برای استفاده از پتانسیل و ظرفیت بازارهای خارجی برای فراهم‌کردن زمینه‌های اعزام نیروی کار ایرانی صورت گرفته" و اعلام شد که "علی‌ربعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تشریح جدیدترین اقدامات صورت‌گرفته در

این زمینه، از امضای قرارداد جدید اعزام نیروی کار ایرانی به کشور قطر خبر داد". جزئیات بیشتر در این مورد را می‌توان در نشریات و سایت‌های مختلف وابسته به جمهوری اسلامی‌سراغ گرفت. مثلاً در سایت اقتصاد آمده است: "کشور قطر به دلیل برگزاری بازی‌های جام جهانی سال ۲۰۲۲ به یک کارگاه بزرگ صنعتی، عمرانی و... تبدیل شده است و پروژه‌های متعددی در این کشور در حال ساخت است که می‌تواند زمینه کاری را برای فرستادن

کارگران و کارشناسان ایرانی به این کشور فراهم کند." و گفته شده است که "یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که دولت یازدهم با آن دست به گریبان است بیکاری و پیش‌بینی بالا رفتن نرخ بیکاری در سال‌های آینده است؛ بیکاری که هم در افراد تحصیل‌کرده و هم غیرتحصیل‌کرده وجود دارد و به اعتقاد بسیاری، فرصت جام جهانی می‌تواند شرایط را برای اعزام کارگران ایرانی به قطر برای کار فراهم کند."

حال برای این‌که راه‌حل دولت روحانی برای رفع بیکاری در جامعه هر چه بیشتر شناخته شده و افشاء گردد لازم است به‌طور گذرا هم که شده نگاهی به شرایط کار کارگران مهاجر در قطر و چگونگی کشاندن‌شدن آن‌ها به این کشور بیندازیم تا هر چه بیشتر آشکار شود که دولت روحانی برای کاهش بحران بیکاری در جامعه، خواستار گسیل جوانان ایران به چه جهنمی و به چه کشتارگاهی می‌باشد. از آنجا که قطر در سال ۲۰۲۲ میزبان مسابقات جام جهانی فوتبال است، از مدت‌ها پیش ساخت ورزشگاه‌های مدرن و پروژه‌های ساخت و ساز دیگر برای احداث شهری مدرن با برج‌های سر به فلک کشیده، ایجاد تسهیلات برای حمل و نقل شهری و غیره در این کشور

آغاز شده است. با توجه به وسعت بسیار کوچک قطر، نیروی کار برای این منظور را در این کشور کارگران مهاجر تشکیل می‌دهند که آن‌ها با وعده‌های شیرین مربوط به مزد خوب و شرایط رفاه کافی، از طریق شرکت‌های دلال کاریاب به این کشور اعزام می‌شوند. اما واقعیت آنچه در قطر می‌گذرد دنیائی با آنچه در ابتدا به کارگران وعده داده می‌شود متفاوت است. جوانان کارگر اعم از مرد یا زن در همان اولین روزهای ورود به قطر خود را به‌صورت بردگانی اسیر در دست کارفرمایان بی‌شرم و جنایت‌کاری می‌یابند که با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گوناگون صرفاً کسب سود بالا به هر قیمتی برایشان مطرح است. و در این میان آن‌چه برایشان پیشیزی ارزش ندارد همانا جان کارگران می‌باشد. در قطر برای کارگران چنان شرایط وخیم و فاجعه‌باری وجود دارد که سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳ میلادی) با انگشت‌گذاشتن بر کیفی و پر از فاضلاب‌بودن محل زندگی کارگران و شرایط کاری سخت و خطرناک، کار کردن کارگران در هفت روز هفته و روزانه تا ۱۲ ساعت کار از جمله در تابستان‌های بسیار گرم قطر و در عین حال عدم پرداخت مزد به آنان برای ماه‌ها، اعلام کرد که در قطر با کارگران همانند حیوانات رفتار می‌شود.

اساساً سیستم سرمایه‌داری چه در دوره رونق و چه در دوره رکود، جز استثمار و فقر و فلاکت ثمره دیگری برای کارگران در بر ندارد. درست در جهت تداوم این سیستم است که دولت روحانی هم‌چون هر دولت مدافع و حافظ منافع سرمایه‌داران امروز به هر تلاش رذیلانه و جنایت‌کارانه‌ای دست می‌زند. کما این‌که برنامه اعزام نیروی کار ایران به قطر از طرف این دولت جز به معنی تغییر مکان این نیرو از جهنم سوزان ایران تحت‌سلطه جمهوری اسلامی به جهنم باز هم سوزان‌تر دیگری نیست.

در گزارش عفو بین‌الملل از پرداخت جرمه‌های نقدی و اخراج کارگران در صورت حاضر نشدن بر سر کار نیز سخن رفته و به بستری‌شدن بیش از ۱۰۰۰ کارگر به‌دلیل سقوط از بلندی در حین کار، اشاره شده است. در همان سال، کنفدراسیون اتحادیه جهانی تجاری نیز اعلام کرد که هر هفته ۱۲ کارگر بر اثر کار در صنایع ساختمانی قطر جان خود را از دست می‌دهند. در همین زمان روزنامه گاردین طی گزارشی در رابطه با شکایات شمار زیادی از کارگران خارجی در قطر از جمله خدمت‌کاران و نظافت‌چیان از این که مورد آزار و اذیت جسمی و جنسی قرار گرفته و از حقوق اساسی خود محروم هستند نوشت و مطرح نمود که "دفتر رسیدگی به امور کارگران مقیم خارج فیلیپین (وابسته به وزارت کار) فقط در شش ماه اول سال ۲۰۱۳ میلادی به بیش از ۶۰۰ خدمت‌کار متواری پناه داده است." همچنین گزارش شده است که کارفرمایان برای جلوگیری از اقدام به ترک محل و فرار کارگران از شرایط وحشتناکی که در آن گرفتار شده‌اند، گذرنامه آن‌ها را ضبط و از تحویل آن‌ها به کارگران خودداری می‌کنند. در گزارشات مختلف از جان‌سپردن کارگران در اثر وخامت‌بار بودن شرایط کار و زندگی آنان در قطر و افزایش روزمره

آن سخن رفته به‌طوری که از ژانویه تا نوامبر سال ۲۰۱۴، صد و پنجاه و هفت کارگر در قطر جان سپرده‌اند. البته انتقاد مجدد عفو بین‌الملل در سال جاری از "بهره‌کشی وحشتناک" کارگران مهاجر در قطر و "رقت‌انگیز بودن وضعیت کار و زندگی آنان، تأثیری در تغییر شرایط کار و زندگی این کارگران نداشته است و شرایط کار و زندگی برای کارگران مهاجر در قطر- که بیشتر آن‌ها را کارگرانی از کشورهایی چون نپال، بنگلادش، هند و سریلانکا و فیلیپین تشکیل می‌دهند- نه‌تنها بهبود نیافته بلکه بدتر نیز شده است، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۴ به‌طور متوسط هر ۲ روز یک کارگر خارجی جان خود را در قطر از دست داده و پیش‌بینی می‌شود میانگین مرگ کارگران خارجی در این کشور از روزانه یک کارگر نیز فراتر برود. اینها البته تنها گوشه‌ای از شرایط بردگی کارگران اعزامی به قطر را برملا می‌سازد. در رابطه با کارگران ایران گفته می‌شود که هم‌اکنون نزدیک به ۱۸ هزار نیروی کار ایران در قطر کار می‌کنند که با پروژه جدیدی که دولت روحانی برای کارگران جوان ما تهیه دیده مسلماً این رقم افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت.

واقعیت ذکر شده نشان می‌دهد که دولت روحانی با ارائه چنین به‌اصطلاح راه‌حلی برای مقابله با بیکاری در واقع هیچ راهی برای این معضل در چپته نداشته و ندارد. و البته جز این هم نمی‌شد انتظار داشت چون واقعیت این است که بیکاری و وجود "نیروی ذخیره کار" یا ارتشی از بیکاران، ذاتی نظام سرمایه‌داری است که تنها در شرایط دچار شدن این سیستم در بحران و رکود بر ابعاد آن افزوده می‌گردد. اساساً سیستم سرمایه‌داری چه در دوره رونق و چه در دوره رکود، جز استثمار و فقر و فلاکت ثمر دیگری برای

کارگران در بر ندارد. درست در جهت تداوم این سیستم است که دولت روحانی هم‌چون هر دولت مدافع و حافظ منافع سرمایه‌داران امروز به هر تلاش رذیلانه و جنایت‌کارانه‌ای دست می‌زند. کما این‌که برنامه اعزام نیروی کار ایران به قطر از طرف این دولت جز به معنی تغییر مکان این نیرو از جهنم سوزان ایران تحت‌سلطه جمهوری اسلامی به جهنم باز هم سوزان‌تر دیگری نیست. این راه‌حل برای مقابله با بحران بیکاری در جامعه ما مثل دیگر راه‌حل‌های جمهوری اسلامی بر ضد کارگران و منافع آن‌ها تنظیم گشته است و بیش از پیش به کارگران نشان می‌دهد که تا زمانی که سرمایه‌داری، اقتصاد حاکم بر جامعه ایران است در به همان پاشنه‌ای خواهد چرخید که تاکنون چرخیده است. تنها با نابودی این نظام ظالمانه است که امکان رهایی کارگران از فقر و فلاکت و بی‌خانمانی مهیا می‌گردد. به همین دلیل هم، نابودی نظام استثمارگرانه حاکم باید سمت اصلی مبارزه در جامعه ما را شکل دهد. به‌واقع، امروز ضرورت نابودسازی سرمایه‌داری یک شعار و سخن کلی نیست بلکه نیاز کارگران و امر حیاتی آن‌هاست.



از کارگران چریک فدائی خلق بیاوزیم

بقیه از صفحه ۱

توده‌ها بدون یک اقدام عملی و بدون یک حداقل نیروی متمرکزی که بتواند به دشمن ضرباتی وارد سازد و هیولای دشمن را در ذهن مردم فرو ریزد و ایشان را به آسیب‌پذیری دشمن و امکان نابودی وی مطمئن سازد، بی‌ثمر است."

بدین ترتیب، اولین نطفه‌های مفهوم نوین مبارزه از طریق رفقای کارگر در سطح گروه طرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

پس از این‌که گروه با مطالعه جامعه و جمع‌بندی تجربیات کسب کرده‌اش تئوری مبارزه مسلحانه را تدوین نمود و به این نتیجه رسید که: "وظیفه هر گروه انقلابی آغاز مبارزه مسلحانه چه در شهر و چه در روستاست"، به‌طور طبیعی شروع به سازماندهی نیروهای خود جهت پیشبرد خط مشی نوین نمود. و تیم‌های چریک شهری شکل گرفت. رفیق حسن که در یکی از اولین واحدهای تشکیل شده در آن زمان جای گرفت که فرماندهی‌اش با رفیق کبیر مسعود احمدزاده بود. با شروع مبارزه مسلحانه، این تیم نقشه حمله به کلانتری قلهک در تهران و مصادره مسلسل نگهبان این مرکز سرکوب را در مقابل خود گذاشت که در ۱۴ فروردین ماه سال ۵۰ این عملیات را با موفقیت به انجام رسانید.

به‌دنبال ضربات شدیدی که در تابستان سال ۵۰ از طرف ساواک شاه به سازمان وارد آمد و منجر به دستگیری و شهادت تعداد زیادی از رفقا گردید، امر تجدید سازمان واحدهای سازمان در مقابل رفقای باقی‌مانده قرار گرفت و رفیق حسن نوروزی برای پیشبرد این سیاست در مرکزیتی که در اواخر تابستان شکل گرفت، قرار گرفت. از آن زمان تا دی ماه سال ۵۲ که وی طی مأموریتی در الیگودرز لرستان در درگیری با مزدوران شاه به شهادت رسید، رفیق نوروزی از اعضای مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود.

رفیق نوروزی در طول زندگی پر بار مبارزاتی‌اش در دهه‌ها عملیات شرکت نمود از جمله در اواخر زمستان ۵۰، برای نشان دادن اهداف ضدامپریالیستی سازمان، به‌همراه رفیق شهید احمد زیرم، به پرتاب نارنجک به سفارت آمریکا در تهران اقدام نمود و این دو رفیق پس از این حمله، سالم به پایگاه خود بازگشتند. اما جدا از این‌که در کارنامه رفیق نوروزی دهه‌ها عملیات ثبت شده، هم‌زمان وی او را بیشتر در نقش یک سازمانده و یک مربی سیاسی نظامی می‌دیدند که در آموزش کادرهای تازه و داوطلبان جدیدی که به جنبش مسلحانه نوین خلق روی‌آور می‌شدند، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کرد. رفقای که با رفیق نوروزی کار کرده‌اند هرگز صمیمیت، صداقت، فروتنی و تعهد بی‌پایان رفیق را فراموش نکرده و این بارزترین خصلت‌های او، همیشه راهنمای عمل‌شان در مبارزات انقلابی بوده است. رفقای که با رفیق نوروزی کار کرده بودند بارها می‌گفتند

که وجود او خود نوعی انگیزه برای بهتر کار کردن‌شان بوده است و این نهایت تأثیری ست که یک انقلابی می‌تواند به روی رفقای هم رزم‌اش ایجاد نماید. رفیق نوروزی کارگر کمونیستی بود که نیک می‌دانست که بورژوازی هرگز از استفاده از حاصل استثمار کارگران و از قدرت سیاسی دست نمی‌کشد و به همین دلیل، کاملاً به این امر اعتقاد داشت که امر رهائی کارگران وابسته به انقلاب قهرآمیز توده‌ای می‌باشد تا نه تنها قدرت بورژواهایی که با میکیدن خون کارگران ارتزاق می‌کنند را در هم شکند بلکه به قول اندیشمندان طبقه کارگر، خود کارگران را هم تغییر و آموزش داده و برای ساختن جهانی نوین آماده سازد.



لایحه خروج از رکود و

اخراج آسان‌تر کارگران!

بعد از افشای تلاش دولت در ماه‌های گذشته برای تغییر قانون کار با هدف کاهش امنیت شغلی کارگران، این بار نمایندگان مجلس با اعمال تغییراتی در لایحه خروج از رکود قصد دارند قانون کار را به شکل دیگری تغییر دهند. به گزارش خبرنگار ایلنا، کمیسیون ویژه بررسی لایحه خروج از رکود قصد دارد تعدادی از مواد قانون کار را تحت عنوان ماده الحاقی ۱۸ این لایحه تغییر دهد.

این ماده الحاقی در صورت تصویب، بندهایی را به مواد ۷، ۱۰ و ۲۱ قانون کار اضافه می‌کند و همچنین دولت را مکلف می‌کند که ماده ۲۷ قانون کار را تغییر دهد. در صورت تصویب این تغییرات قدرت کارفرمایان برای اخراج هر چه راحت‌تر کارگران به شکل وسیعی افزایش خواهد یافت.

کارگران ایران‌تایر در اعتراض به

"لایحه خروج از رکود"

در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند!



جمعی از کارگران کارخانه ایران‌تایر واقع در جاده قدیم کرج صبح روز چهارشنبه ۱۷ دی ماه، در اعتراض به جزئیات قراردادهای کار ناعادلانه و همچنین تلاش اخیر مجلس برای کاهش مواد حمایتی قانون کار تحت لایحه خروج از رکود اقتصادی، تجمعی را در مقابل ساختمان مجلس در بهارستان برگزار کردند. کارگران حاضر در تجمع مقابل ساختمان مجلس پارچه‌نوشته‌ای را برافراشته کرده بودند با مضمون "ما کارگران مظلوم و مستضعف

برای امر به معروف (اجرای قانون) و نهی از منکر (بی‌عدالتی) آمده‌ایم." کارگران ایران‌تایر می‌گویند که چهار نوع قرارداد کار متفاوت در این کارخانه حاکم است و کارگران با وجود انجام کار برابر، بسته به نوع قرارداد کاری‌شان دستمزدهای متفاوتی دریافت می‌کنند. آنان معتقدند که استخدام کارگر روزمزدی برای کاری که جنبه استمراری دارد و محدود به فصل خاصی نمی‌شود، بی‌عدالتی است چرا که آنان با وجود انجام کاری برابر با سایر کارگران، از حمایت بیمه محرومند و دستمزدی به مراتب کمتر از سایر کارگران دریافت می‌کنند. کارگران ایران‌تایر همچنین به تلاش برخی نمایندگان برای گنجانیدن تغییراتی در قانون کار تحت لایحه خروج از رکود اقتصادی اعتراض دارند. کارگران می‌گویند در صورت تصویب تغییرات مد نظر مجلس در قانون کار، امنیت شغلی آنان حتی با وجود قراردادهای کوتاه‌مدت بیش از امروز به خطر خواهد افتاد.

کارگران واگن پارس اراک به اعتصاب ده روزه خود خاتمه دادند!



کارگران کارخانه واگن پارس اراک صبح روز دوشنبه ۱۵ دی ماه، بعد از ده روز متوالی اعتراض و اعتصاب، با قول اعضای شورای اسلامی کار این کارخانه مبنی بر این‌که هیچ کارگری از نظر حقوقی یا شغلی در معرض تهدید قرار نگیرد، کار را از سر گرفتند. اعتراض و اعتصاب نزدیک به ۹۰۰ کارگر در این واحد از روز چهارشنبه ۳ دی ماه، شروع شد. اعتصاب کارگران در اعتراض به تصمیم مدیرعامل مبنی بر جایگزینی یکی از کارگران به‌مثابه مدیر انتظامات کارخانه با یک نظامی بازنشسته شروع شد. مدیر جدید انتظامات از صبح شروع کار نفرات جدیدی را در واحد انتظامات و نگرانی جایگزین نمود. این تغییر در شرایطی رخ داده که مسئول قبلی هنوز دو ماه به پایان قرارداد کارش باقی مانده بود. به دنبال این تصمیم و خودداری مدیرعامل کارخانه از تمدید قرارداد کار این کارگر، کارگران دست از کار کشیده و تولید را متوقف کردند. لازم به ذکر است که قرارگاه خاتم‌الاولیاء سهامدار اصلی کارخانه واگن پارس اراک می‌باشد و تعیین مدیرعامل این واحد تولیدی بر عهده این قرارگاه نظامی قرار دارد.

صبح روز شنبه ۶ دی ماه و در سومین روز اعتصاب، حدود ۱۵۰ تن از کارگران اعتصابی دست به تجمع اعتراضی در خیابان واگن پارس منتهی به بلوار آیت‌الله اراکی زدند که با دخالت یک عضو شورای تأمین استان و

اعتصاب، کارگران به رستوران رفته و غذا را در سطل‌های اشغال می‌ریختند. از فردای شروع این اعتراض، تمام بخش‌های تولیدی کارخانه به آن پیوستند و در اعتصاب غذا شرکت کردند.

بر اساس گزارشات منتشر شده، این اولین بار است که تمام کارخانه به‌طور یکپارچه اعتصاب غذا می‌کند و به یک حرکت اعتراضی می‌پیوندد. کارگران اعتصابی گفته‌اند که اگر به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود از سوار شدن به سرویس‌ها خودداری خواهند کرد و سرویس‌های حمل و نقل را تحریم می‌کنند و در ادامه، اعتراض‌شان را به خیابان‌ها خواهند برد.

منفک شدند و با شرط پرداخت حقوق به خانه فرستاده شده‌اند. کارفرما به این چهار کارگر گفته است حقوق‌شان را پرداخت می‌کند اما دیگر به کارخانه نیایند. در چنین شرایطی و در حالی که فضای امنیتی شدیدی بر کارخانه حاکم بود، به اصطلاح طلب‌کاران این واحد با حکم قضایی به کارخانه آمده و بیش از ۱۲ تریلی از مواد خام را با حکم قضایی با خود بردند، امری که موجب نگرانی کارگران گشته و آن‌ها می‌گویند که این وضع آینده خوبی را برای کارخانه رقم نمی‌زند و ما را به ناکجا آباد می‌برد.

اعتصاب کارگران پارس خودرو و سایپا آذین برای افزایش دستمزد!



بر اساس گزارش‌های منتشر شده، روز یکشنبه ۷ دی ماه، کارگران کارخانه پارس خودرو در اعتراض به کاهش حقوق‌های دریافتی‌شان به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیده و مبادرت به اعتصاب نمودند. به دنبال این حرکت اعتراضی، کارگران به مدت سه روز از رفتن به سالن غذاخوری خودداری کرده و خواستار پاسخگویی مدیران شرکت به خواست‌های خود شدند. سرانجام در ۲۰ دی ماه گزارش داده شد که کارفرما با اصلاح نظام مزدی موافقت نموده است.

بر اساس این گزارش، همچنین در کارخانه سایپا آذین که کارخانه قطعه‌سازی و از کارخانه‌های زیرمجموعه کارخانه خودروسازی سایپاست نیز روز یکشنبه ۷ دی ماه، کارگران اعتصاب کردند. کارگران می‌گویند با این مقدار دستمزد و موج گرانی قادر به گذران زندگی خود نیستند.

اعتصاب غذای یکپارچه کارگران ایران خودرو!



بر اساس گزارشات منتشر شده، از روز ۱۷ دی ماه کارگران ایران خودرو در اعتراض به کمی دستمزد و پائین بودن پایه حقوقی‌شان از رفتن به غذاخوردی خودداری کرده و به این شکل مبادرت به اعتصاب غذا نمودند. در جریان این

فرمانده انتظامی شهرستان اراک این تجمع به داخل کارخانه منتقل گشت.

در چهارمین روز اعتراض کارگران (روز یکشنبه ۷ دی ماه) با توجه به این که سهام‌دار اصلی سپاه پاسداران می‌باشد، مأموران نظارتی وابسته به این نهاد نظامی وارد کارخانه شدند. در تداوم این روند (دوشنبه ۸ دی ماه) با این که این نیروها کارخانه را ترک کردند اما مدیرعامل از ورود ۵ کارگر اعتصابی به کارخانه جلوگیری نمود که با توجه به بالاگرفتن اعتراضات کارگران ساعتی بعد، این ۵ نفر اجازه یافتند وارد کارخانه شوند. همچنین با توجه به پی‌گیری کارگران در اعتراض‌شان و برای جلوگیری از ادامه توقف تولید، در تاریخ ۷ دی ماه، معاون سیاسی و امنیتی استاندار مرکزی فرماندار، مدیر عامل، اعضای شورای اسلامی کار کارخانه و شماری دیگر از مقام‌های مسئول با حضور در محل فرمانداری اراک تشکیل جلسه داده و تصمیم گرفتند که مدیرعامل با کارگر اخراجی قرارداد کار منعقد کند و او را به کار خود بازگرداند. تصمیمی که مدیرعامل مدتی از اجرایش سر باز می‌زد.

نهمین روز متوالی اعتصاب کارگران صبح روز شنبه ۱۳ دی ماه، در شرایطی شروع شد که شب قبل (جمعه شب ۱۲ دی ماه) شب‌نامه‌ای علیه کارگران اعتصابی در کارخانه توزیع شده بود. در این شب‌نامه گفته شده بود که کارگران واگن پارس خواستار پایان اعتصاب و بازگشت به کار هستند. کارگران در حالی این شب‌نامه‌ای شنبه در کمدهایشان یافته‌اند که کارخانه در روزهای پنج شنبه و جمعه تعطیل بود!

صبح روز یکشنبه ۱۴ دی ماه، در حالی که کارگران تصمیم گرفته بودند برای نشان‌دادن حسن نیت خود و دعوت مدیرعامل به اجرای مصوبه شورای تأمین شهرستان اراک مبنی بر بازگشت به کار کارگر اخراجی، تولید را از سر بگیرند مأموران حراست از ورود ۵ نفر از کارگران به کارخانه جلوگیری کردند. این امر کارگران را از تصمیم‌شان منصرف نمود. بر اساس گزارش کارگران، کارفرما این ۵ کارگر را به آزمایشگاهی در شهر اراک منتقل کرده است تا از آن‌ها، آزمایش اعتیاد بگیرد. کارگران معترض می‌گویند در حالی که هر ۹۰۰ کارگر اعتصابی در برابر زیاده‌خواهی کارفرما تصمیم به توقف تولید گرفته‌اند، مأموران حراست با این استدلال که این ۵ کارگر اعتراضات را هدایت می‌کنند از ورودشان به کارخانه ممانعت به عمل آورده‌اند.

با این که کارگران به اعتصاب پایان دادند و با این که اعضای "شورای اسلامی کار" این کارخانه به کارگران قول داده بودند که هیچ کارگری از نظر حقوقی یا شغلی در معرض تهدید قرار نگیرد اما به گزارش اینلا به تاریخ ۲۴ دی ماه: "احتمال اخراج گسترده کارگران واگن پارس در پایان دی ماه در پی جدیدترین تصمیم کارفرما مبنی بر منفک کردن چهار کارگر رسمی این کارخانه تقویت شده است." کارگران می‌گویند این ۴ کارگر رسمی پس از خاتمه آخرین دور از اعتراضات کارگران واگن پارس از کار

اقدام به خودکشی سه کارگر معدن و اقدامات باز هم ظالمانه کارفرما و دولت علیه کارگران!

صبح روز شنبه ۶ دی ماه، جمعی از کارگران تعدیل‌شده و شاغل معدن طلای پویا زرکان آق‌دره تکاب در استان آذربایجان غربی، در اعتراض به تصمیم کارفرما در خصوص تعدیل ۳۵۰ نفر از معدنچیان، در داخل محوطه این معدن دست به یک تجمع اعتراضی زدند. به گفته یکی از کارگران حاضر در تجمع، شرکت پویا زرکان به‌عنوان پیمان‌کار اصلی معدن طلای آق‌دره از ابتدای ماه جاری ۳۵۰ نفر از کارگران این معدن را به دلیل تمام‌شدن مدت قرارداد اخراج کرد که این تجمع در اعتراض به این اقدام صورت گرفت. برای مقابله با این تجمع، از یک طرف نیروی انتظامی وارد میدان شد و از طرف دیگر از مسئولان شهرستان تکاب برای پیگیری موضوع در جمع کارگران اخراجی معترض حضور پیدا کردند که نتیجه‌ای جز آن نداشت که کارفرما همچنان با بی‌توجهی به خواسته‌های تجمع‌کنندگان برخورد کند. در چنین شرایطی بود که سه نفر از کارگران اخراجی از شدت خشم و استیصال اقدام به خودکشی کردند که یکی از مصدومان به دلیل شدت جراحت در بیمارستان شهدای تکاب از ناحیه شکم مورد جراحی قرار گرفت که هم‌اکنون در بخش عمومی بیمارستان بستری‌ست. دو کارگر دیگر که جراحت‌شان سطحی بود به‌صورت سرپایی مداوا شده‌اند.

نکته قابل توجه دیگر این است که پس از انتشار خبر اقدام به خودکشی سه نفر از کارگران معدن طلای آق‌دره، مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد، تجمع کارگران مربوط به تمدید قرارداد بوده و در این تجمع تنها یک نفر اقدام به خودکشی کرده است. در پی توضیحات فریب‌کارانه و سراسر کذب روابط عمومی وزارت کار، فرمان‌دار شهرستان تکاب نیز روز پنجشنبه ۱۱ دی ماه، در گفتگو با خبرگزاری رسمی دولت (ایرنا) خودکشی سه نفر از کارگران معدن طلای آق‌دره در تجمع اعتراضی روز شنبه ۶ دی ماه، را تکذیب کرد و گفت: چندی قبل ۳۰ نفر از این کارگران در اعتراض



در توضیح شعار
"آزادی زنان زحمتکش باید به
دست زنان زحمتکش انجام پذیرد"

و مختصری در مورد ضرورت
اعمال رهبری طبقه کارگر بر
مبارزات زنان

اشرف دهقانی

و تاکنون بارها و به عمد ماموران مراقب مرزی آنها را هدف شلیک خود قرار داده اند.

تجمع اعتراضی رانندگان شرکت واحد در برابر ساختمان شورای شهر تهران!



صبح روز سه شنبه ۱۶ دی ماه، جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در اعتراض به دریافت نکردن تسهیلاتی که قرار بود در سالهای گذشته بابت خرید مسکن به آنان پرداخت شود در مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند. در روز دوشنبه ۳ آذر ماه، نیز گروه دیگری از کارگران شرکت واحد با اجتماع در مقابل ساختمان شهرداری خواستار رسیدگی به این مشکل صنفی شده بودند. یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: در سالهای پایانی دهه ۸۰ با موافقت شهرداری مبلغ ۷۵ میلیارد تومان از محل فروش زمینهای مازاد شرکت واحد برای تهیه مسکن مناسب به کارگران شرکت واحد اختصاص یافت و از ابتدا قرار شد این مبلغ به صورت بلاعوض به کارگران برای تهیه مسکن داده شود. در زمان مدیریت پیشین شرکت واحد این مبلغ به دلیل وجود برخی تبعیضها درست در میان کارگران توزیع نشد و نصف بیشتر کارگران نتوانستند از این کمکها استفاده کنند و امروز کارگران نمی دانند این مبلغ کجا هزینه شده است. وی در ادامه افزود: آن زمان مبلغ تعیین شده تنها به گروه محدودی پرداخت شد، افرادی که همراه مدیرعامل وقت از خارج به شرکت واحد آمده بودند و سابقه کمی داشتند بیشترین استفاده را از این تسهیلات بردند. بر اساس اطلاعات بدست آمده، پس از آنکه در صحن شورای شهر قرار شد تا از مسئولان مربوطه در رابطه با مشکل مسکن کارگران شرکت واحد توضیح خواسته شود، کارگرانی که در بیرون ساختمان شورای شهر تجمع کرده بودند اجتماع صنفی خود را به مقابل ساختمان شهرداری تهران منتقل کردند.

پرداخت نشدن ۴ درصد حق بیمه ای که کارفرما ملزم به پرداخت آن است هنوز تکلیف آنها مشخص نیست. با این حال تأمین اجتماعی با این دستگاه عریض و طویل از کارگر می خواهد که خودش برود و حق اش را از کارفرما بگیرد. در حالی که هرگونه اعتراضی به کارفرما ممکن است به اخراج کارگران منجر شود. وی اضافه کرد: به همین دلیل ما در اینجا تجمع کرده ایم تا به تأمین اجتماعی بگوییم فکری به حال ما کند و خودش پیگیر مطالباتمان باشد.

مدیرکل تأمین اجتماعی لرستان روز پنجشنبه ۱۱ دی ماه، در واکنش به تجمع کارگران پارسیلون گفت: شرکت پارسیلون سالهاست که حق بیمه کارگران را پرداخت نمی کند. با این همه سازمان تأمین اجتماعی به تعهدات بیمه ای خود در قبال این شرکت عمل کرده است. وی همچنین اعلام کرد: شرکت پارسیلون ۲۶ میلیارد تومان بدهی به تأمین اجتماعی دارد. مدیرکل تأمین اجتماعی استان لرستان اقدام به تجمع کارگران شرکت پارسیلون را پیش داوری خواند و خاطر نشان کرد در صورتی که ۱۰۰ نفر کارگر مشمول بازنشستگی شرکت پارسیلون شرایط ۷۳۰۰ روزه را داشته باشند آنها را بازنشسته می کنیم. مدیر تأمین اجتماعی استان لرستان در حالی از عدم ارایه لیست کارگران شرکت پارسیلون به تأمین اجتماعی سخن می گوید که به گفته کارگران معترض، آنها مدتهاست پیگیر وصول حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور هستند. به گفته یکی از این کارگران "مدتهاست که علیرغم پیگیری های انجام شده، در کارخانه پارسیلون کارگران مشمول بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور بین شرکت و تأمین اجتماعی سرگردان هستند چرا که از یکسو کارفرما حاضر به پرداخت ۴ درصد حق بیمه اضافی در مشاغل سخت و زیان آور نیست و از سوی دیگر، سازمان تأمین اجتماعی نیز برای وصول این طلب هیچ اقدامی نمی کند و به کارگران می گوید خودشان باید پیگیر مطالباتشان از شرکت باشند."

کشته شدن یک کولبر سلماسی به دست مرزبانان!



به گزارش خبرگزاری هرانا روز دوشنبه ۱ دی ماه یکی از اهالی روستای دشوان از توابع سلماس که به کولبری مشغول بود با شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی کشته شد. کولبری شغلی سخت و خطرناک است که مردم منطقه مرزی به اجبار برای تأمین معاش خود به آن روی می آورند

تعطیلی فصلی این معدن در برابر کارخانه آق دره تجمع می کنند که یکی از کارگران به وسیله شیشه ای شکسته اقدام به خودزنی می کند که از ناحیه شکم به صورت سطحی مجروح می شود که جراحی وی حتی نیاز به جراحی هم پیدا نکرد.

رویدادهای بعدی نشان داد که تکذیب های دروغین حامیان کارفرمای معدن طلای یاد شده (فرماندار و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی) تنها برای ایجاد زمینه جهت تحت فشار قرار دادن باز هم بیشتر کارگران به نفع کارفرما صورت گرفته است. چرا که در پی تکذیب نامه آنها، ۱۱ نفر از کارگران معترض به تصمیم کارفرما مبنی بر تعدیل ۳۵۰ نفر از همکاران شان، که روز شنبه ۶ دی ماه در داخل محوطه این معدن تجمع کرده بودند، با شکایت کارفرما، صبح روز سه شنبه ۹ دی ماه، به دادگاه عمومی شهرستان تکاب احضار شدند. یکی از کارگران معترض احضار شده توسط دادگاه عمومی در یک اطلاع رسانی گفت: در تجمع اعتراضی روز شنبه، یکی از همکاران که امروز نیز به جرم اغتشاش و برهم زدن امنیت از سوی دادگاه تکاب احضار شده است حوالی ساعت ۸ شب اقدام به خودکشی کرد که با عکس العمل به موقع سایر همکاران وی از مرگ حتمی نجات یافت. او هنوز در بیمارستان شهدای تکاب بستری است و وضع عمومی اش رو به بهبودی است اما چون خود قادر به حضور در دادسرا نیست، پدرش به نمایندگی از او حضور یافته است!

دو روز بعد (پنجشنبه ۱۱ دی) باز هم هشت نفر از کارگران معترض معدن طلای آق دره، بار دیگر به دادگاه عمومی شهرستان تکاب احضار شدند. این بار شاکی یکی از نگهبانان این معدن بود که مدعی است در تجمع روز شنبه ۶ دی ماه، توسط این ۸ کارگر مضروب شده است. اکثر احضار شدگان امروز کارگرانی بوده اند که روز سه شنبه نیز با شکایت کارفرما به دادگاه عمومی تکاب رفته بودند و اکنون با قید وثیقه آزاداند. یکی از کارگران حاضر در تجمع روز شنبه، درباره اتفاقی که منجر به شکایت نگهبان معدن آق دره شده است گفت: در روز تجمع، وقتی ماموران نیروی انتظامی وارد کارخانه شدند یکی از کارگران را از میان جمع جدا کردند و او را برای مراقبت به این نگهبان تحویل دادند اما دقایقی بعد درگیری مختصری میان این نگهبان و کارگرانی که قصد آزاد کردن همکار خود را داشتند اتفاق افتاد.

عدم پرداخت حق بیمه ویژه مشاغل سخت و زیان آور و تجمع اعتراضی کارگران!

صبح روز یکشنبه ۷ دی ماه، جمعی از کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه ویژه مشاغل سخت و زیان آور در ارتباط با شغل شان، در مقابل اداره تأمین اجتماعی خرم آباد تجمع کردند. یکی از کارگران تجمع کننده گفت: نزدیک به ۸۰ نفر از کارگران کارخانه پارسیلون که دارای مشاغل سخت و زیان آور هستند در مرحله بازنشستگی قرار دارند اما به دلیل



تجمع کارگران مجتمع مس خاتون آباد و

ترس مقامات دولتی از "اغتشاش"!

به گزارش ۲۴ دی ماه بابک آنلاین، شماری از کارگران شرکت‌های اقماری ذوب مس خاتون آباد شهر بابک در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامشان مقابل فرمانداری شهرستان دست به تجمع زدند. این کارگران می‌گویند که مدیرعامل اسبق شرکت مس در ابتدای کار پروژه، قول جذب تمام نیروها به‌هنگام راه‌اندازی پروژه پالایشگاه را دادند و همین امر سبب شد تا ۴ سال با حقوق کم به امید جذب در پروژه کار کنیم. اما اکنون که پروژه پالایشگاه آماده کار است می‌خواهند با برقراری آزمون استخدامی افراد دیگر را جذب کنند.

در تداوم اعتراضات کارگران مس خاتون آباد، در تاریخ ۲۸ دی نیز حدود ۱۵۰ کارگر ذوب مس خاتون آباد در شهر بابک در اعتراض به برگزاری آزمون استخدامی در این مجتمع صنعتی مقابل فرمانداری تجمع کردند. یکی از کارگران حاضر در این تجمع اعتراضی به این‌ها گفت: تعدادی از نیروهای بومی پروژه خاتون آباد در سال‌های گذشته در شرایط سخت و تحت قراردادهای موقت کار کردند به امید این‌که بعد از ۴ سال و راه‌اندازی پروژه، استخدام رسمی شوند، اما در حال حاضر شرایطی را گذاشته‌اند که طی آن ممکن است بسیاری از کارگران حذف شوند. وی برگزاری آزمون از طریق شرکت ملی صنایع مس ایران را در شرایط فعلی و علیرغم وعده‌های داده‌شده، نوعی تهدید امنیت شغلی برای کارگران بومی پالایشگاه مس خاتون آباد دانست و گفت: وجود شرط سنی و همچنین طرح مسائلی چون ارایه معافیت پزشکی باعث می‌شود عملاً بسیاری از کارگران از کار بیکار شوند و در آزمون پذیرفته نشوند.

گفتنی است که در تجمع ۲۴ دی ماه، معاون سیاسی امنیتی فرمانداری شهر بابک به‌همراه مدیر مجتمع مس شهر بابک در جمع کارگران معترض خاتون آباد حضور یافته و در حالی‌که می‌کوشید به کارگران القا کند که تجمع اعتراضی‌شان ثمره‌ای ندارد و بهتر است در آزمون شرکت کنند، گفته بود: افرادی که شرایط ثبت نام دارند اگر به عنوان اعتراض ثبت نام نکنند اولین کسانی هستند که به حق خود ظلم کرده‌اند. و با لحن تهدیدآمیزی مطرح ساخت: ما به دنبال حق شما هستیم ولی هر چیزی از راه قانون باید صورت گیرد. اگر یک ماه جلوی فرمانداری هم بنشینید، تا زمانی که خسارت به اموال دولتی، توهین به اشخاص و بر خلاف نظام کاری صورت نگیرد هیچ کس با شما کاری ندارد اما اگر بخواهید کاری خلاف قانون صورت گیرد طبق قانون با شما برخورد می‌شود. فکر نکنید ما نسبت به تجمع حساس هستیم! او همچنین گفته بود: شما افرادی نیستید که به دنبال اغتشاش باشید، بنابر این، اگر از طریق قانون جلو بروید ما شما را حمایت می‌کنیم.

اشاره معاون فرماندار به "اغتشاش"، یادآور سابقه مبارزات قهرمانانه کارگران مس خاتون آباد در سال ۱۳۸۲ و برخورد

خسونت‌بار و وحشیانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با آن‌هاست که کشته شدن کارگران با شلیک گلوله‌های آن مزدوران را در پی داشت.



مصدومیت سه کارگر معدن زغال سنگ "گله‌توت" ززند، بر اثر ریزش معدن!

عصر روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه، سه تن از کارگران معدن زغال سنگ "گله‌توت" شهرستان ززند که در عمق ۲۷۰ متری زمین مشغول به کار بودند به‌دلیل ریزش ناگهانی معدن دچار مصدومیت شده و به بیمارستان تأمین اجتماعی ززند انتقال یافتند. یکی از کارگران به‌دلیل شدت جراحات وارده به کرمان منتقل شد. این کارگران تا گروه امداد به محل اعزام شود یک ساعت و نیم زیر آوار مدفون بوده‌اند. بر اساس گزارش روز دوشنبه ۲۲ دی ماه، وضعیت یکی از این کارگران که از نواحی دو پا، مهره گردن و شکم دچار آسیب جدی شده است، همچنان نامعلوم و ثابت شدن وضعیت جسمانی‌اش باید به وسیله دستگاه تنفس کند. این کارگر جوان ۲۲ ساله، متاهل و دارای یک فرزند است و ۳ سال است که در بخش استخراج معدن "گله‌توت" مشغول به کار بوده است. معدن گله‌توت دارای ۲۳۰ کارگر است و در فاصله ۴۰ کیلومتری شهرستان ززند قرار دارد. به‌دنبال این حادثه، مدیر معدن گله‌توت اعتراف کرد که نوع آهن‌آلات مورد استفاده در زمان کار توسط کارگران مصدوم نامناسب بوده است. وی گفت: ممکن است جنس آهن‌آلات مورد استفاده توسط کارگران نامرغوب بوده باشد که در زمان اتصال آن به محل مورد نظر چون در قسمت شیب‌دار تونل بوده باعث ریزش و در نهایت منجر به بروز حادثه شده است. با این‌حال، مدیر معدن در ادامه سخنان‌اش با وقاحت تمام گفت: در جاده‌های کشور هر روز تعداد زیادی کشته می‌شوند چرا هیچ‌کس به آن‌ها رسیدگی نمی‌کند. کار در معدن، جنگ با طبیعت است و این مشکلات هم اتفاق می‌افتد.

تجمع اعتراضی کارگران سیمان سپاهان در محوطه کارخانه!



۲۰۰ کارگر پیمانی سیمان سپاهان اصفهان ظهر روز دوشنبه ۲۲ دی ماه، در اعتراض به اخراج یکی از کارگران در محوطه کارخانه تجمع کرده و با حمل پلاکاردهایی،

خواستار بازگشت به کار همکار اخراجی‌شان شدند. بر اساس گفته کارگران، کارفرما صبح امروز از قصد کارگران برای تجمع مطلع شده بود و به‌همین دلیل پیش از ظهر، ساعتی قبل از پایان زمان کاری، شمار زیادی از کارگران را مرخص کرد تا تعداد تجمع‌کنندگان کاهش پیدا کند.

صبح روز بعد (سه شنبه ۲۳ دی ماه) ماموران واحد انتظامات کارخانه سیمان سپاهان اصفهان از ورود یکی دیگر از کارگران معترض به کارخانه جلوگیری کردند. ماموران واحد انتظامات به این کارگر که روز قبل در تجمع اعتراضی حضور داشت، گفته‌اند که با دستور مستقیم رئیس خود از ورود او به کارخانه جلوگیری می‌کنند. کارگران می‌گویند این اقدام کارفرما به قصد ترساندن سایر کارگران حاضر در تجمع دیروز و ممانعت از برگزاری تجمعات اعتراضی دیگر است. این کارگر معترض، از کارگران شرکت پیمان کاری "پیشرو همت زاگرس" است که در بخش بارگیری کارخانه کار می‌کند و قرارداد کارش تا پایان بهمن ماه اعتبار دارد.

چهل کارگر اخراجی فولاد آذربایجان پس از سه روز تجمع اعتراضی به کار بازگشتند!

یکی از کارگران فولاد آذربایجان روز سه شنبه ۹ دی ماه، در یک اطلاع‌رسانی اعلام داشت که: نزدیک به ۴۰ کارگر پیمانی فولاد آذربایجان در پایان آذر ماه، هم‌زمان با واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی، در پی اتمام قرارداد کارشان اخراج شدند. کارگران اخراجی از روز شنبه ۶ دی ماه، مقابل درب اصلی کارخانه تجمع کردند تا این‌که کارفرما عصر روز دوشنبه ۸ دی ماه، با وساطت نمایندگان مجلس با بازگشت به کار این کارگران به‌صورت مشروط موافقت کرد. بر اساس این گزارش، کارفرما انعقاد قرارداد جدید با کارگران اخراجی را به جواب معاینات طب سنتی و آزمایشات خون، ادرار، ریه، قلب، چشم، گوش و... منوط کرده است. یکی از کارگران اخراجی که درخواست نام‌اش فاش شود گفت: بسیاری از کارگران فولاد آذربایجان سال‌ها سابقه کار دارند. دستگاه‌های خط تولید این کارخانه سر و صدای وحشتناکی دارند و اگر کارگری برای چندین سال با این دستگاه‌ها کار کند شنوایی‌اش قطعاً ضعیف می‌شود. بنابر این، انجام این آزمایشات برای کارگرانی که سال‌هاست در کارخانه کار می‌کنند لزومی ندارد و برای مثال اگر کارگری شنوایی‌اش ضعیف شده باشد بر اثر سر و صدای خط تولید ضعیف شده است.

اعتراض صنفی کارگران معدن البرز مرکزی با وعده پرداخت قسطی مطالبات خاتمه یافت!

در پی اعتراض صنفی ۱۲۰۰ نفر از کارگران معدن زغال سنگ البرز مرکزی (سواد کوه) در استان مازندران که از روز شنبه ۶ دی ماه در واکنش به عدم اجرای وعده کارفرما در پرداخت ما به التفاوت مزد ناشی از اجرای طرح

کارگران رسمی فرش پارس قزوین حقوق شان را با چهار ماه تاخیر می گیرند!



یکی از کارگران کارخانه "فرش پارس" در شهرستان البرز قزوین از تعویق ۴ ماهه حقوق و بیمه ۸۰ نفر از کارگران رسمی این کارخانه تولید فرش ماشینی خبر داد. این کارگر که خواست نامش فاش شود به ایلنا گفت: حدود ۱۷ سال پیش کارخانه فرش ماشینی پارس به بخش خصوصی واگذار شد و از آن زمان به بعد تاخیر در پرداخت حقوق کارگران آغاز شد. او تعداد کارگران این کارخانه را ۲۸۰ نفر ذکر کرد و گفت: ۲۰۰ کارگر قراردادی این کارخانه در دریافت حقوق ماهانه خود در موعد مقرر مشکل چندانی ندارند اما ۸۰ کارگر رسمی کارخانه حقوق خود را با چهار ماه چهار تاخیر دریافت می کنند.

به گفته وی، علاوه بر تعویق ۴ ماه حقوق که مربوط به ماهه ای آذر، دی، بهمن و اسفند سال گذشته است، دو ماه از حق بیمه کارگران نیز هنوز پرداخت نشده است و به همین دلیل دفترچه های درمانی کارگران برای تمدید دچار اشکال شده است.

نمونه ای از پرداخت هر چند وقت یکبار حقوق کارگران توسط سرمایه داران!

۱۲۰ کارگر کارخانه بلورک استان قزوین که در سه شیفت کاری به ساخت بلورهای صنعتی مشغول اند روز چهارشنبه ۳ دی ماه، از ایجاد یک وقفه پنج ماهه در پرداخت شدن مطالبات مزدی خود خبر دادند. به گفته این کارگران، کارفرمای بلورک هر چند وقت یکبار معادل یک ماه از معوقات مزدی آن ها را پرداخت می کند اما همواره حدود ۵ ماه حقوق پرداخت نشده باقی می ماند.

۵۰ درصد صنایع استان اصفهان با ۳۰ درصد ظرفیت کار می کنند!

روز شنبه ۶ دی ماه، استاندار اصفهان اعلام کرد که: صنایع استان دارای دو مشکل اساسی هستند. بر اساس گزارش اتاق بازرگانی، متأسفانه ۱۰ درصد صنایع استان در توقف کامل بوده و ۵۰ درصد صنایع تنها با ۳۰ درصد ظرفیت خود مشغول به کار هستند. فعالیت برخی از کارخانجات متوقف شده و با تعدادی از کارگران تسویه حساب شده و آن ها به بیمه بیکاری ارجاع شده اند.

پرداخت هیچ هزینه ای به یکی از معادن تازه تاسیس طیس انتقال دهد حتی حاضر نشده بود هزینه ایاب و ذهاب کارگرانی که قرار بود به طور مداوم از معدن سنگرود به معادن طیس در شرق کشور رفت و آمد کنند را پرداخت کند.

در پی اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق، ۱۵ کارگر در استان قزوین اخراج شدند!

بر اساس گزارشی به تاریخ سه شنبه ۱۶ دی ماه، در پی اعتراض به تعویق شش ماه حقوق بیش از ۹۰ کارگر کارخانه "صنایع کم مصرف ایرانیان" زیرمجموعه کارخانه کنتورسازی ایران واقع در استان قزوین، ۱۵ نفر از کارگران این واحد تولیدی اخراج شدند. کارگران این مجموعه در واکنش به بی تفاوتی کارفرما که از تیر ماه حقوقی به آن ها پرداخت نکرده است روز شنبه ۱۵ آذر ماه، دست از کار کشیدند. اما کارفرما روز بعد (یکشنبه ۱۶ آذر ماه) حکم اخراج ۳۰ نفر از کارگران را به آنان ابلاغ کرد که کارگران در حمایت از همکاران اخراجی شان، تجمعی اعتراضی بر پا کردند. پس از برگزاری تجمع کارگران در حمایت از کارگران اخراجی، کارفرما راضی شد به شرط امضای تعهدنامه، کارگران اخراجی را به کار بازگرداند. اما ۱۵ کارگر اخراج شده (۱۱ مرد و ۴ زن) راضی به امضای تعهدنامه نشده و اخراج شدند.

۲۱ ساعت کار روزانه کارگران معدن نگین طیس و تعویق سه ماه حقوق آنان!



روز شنبه ۱۳ دی ماه، کارگری در طیس از تعویق ۳ ماهه در پرداخت حقوق و مزایای بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران شرکت معدنی نگین خبر داد و گفت: حقوق ماههای آبان و آذر هنوز پرداخت نشده و تنها بعد از پیگیریهای فراوان نیمی از حقوق مهر ماه طی ده روز گذشته وصول شده است. علاوه بر تعویق در پرداخت حقوق از سوی شرکت معدنی نگین، یکی از عمده ترین مشکلات کارگران این است که علیرغم کار طاقت فرسایی که انجام میدهند اصلاً استراحتی ندارند و حقوق بسیار پایینی دریافت می کنند. برای کارگری با ۲۱ ساعت کار روزانه و ۲۰ روز کار در ماه نهایتاً ۱ میلیون ۵۰۰ هزار تومان حقوق در نظر می گیرند که با توجه به شرایط سخت کار و مدت زمان بالای آن غیرمنصفانه است.

طبقه بندی مشاغل آغاز شده بود، مسئولان این شرکت وعده دادند که بخشی از مطالبات معترضان فوراً پرداخت شود به همین دلیل هم این اعتراض صنفی صبح چهارشنبه خاتمه یافت.

یکی از کارگران معدن البرز مرکزی در خصوص پایان اعتراض صنفی ۱۲۰۰ نفر از همکارانش تصریح کرد: عصر روز سه شنبه ۹ دی ماه، مدیرعامل معدن البرز مرکزی به صورت علی الحساب ۲۴۰ میلیون تومان به شرکت هلدینگ سامان واگذار کرد تا حداقل بخشی از مطالبات کارگران را (حدود ۲۰۰ هزار تومان) پرداخت کند. به همین دلیل، کارگران از صبح چهارشنبه موقتاً به اعتراض صنفی خود خاتمه دادند.

اعتراض "انتحاری" کارگران معدن سنگرود در عمق زمین و حضور نیروهای سرکوبگر!

اعتراض کارگران معدن سنگرود (البرز غربی) در ساعت ۳ بامداد ۱۸ دی ماه با دخالت مأموران امنیتی و انتظامی موقتاً خاتمه یافت و کارگران بعد از سپری کردن یک روز در عمق زمین، راهی خانه های شان شدند. کارگران صبح دیروز در اعتراض به "محقق نشدن وعده های مسئولان برای رسیدگی به شرایط کارگران پس از تعطیلی معدن" چنین اقدام صنفی ای را پیش گرفته اند. به گزارش ایلنا، روز چهارشنبه (۱۷ دی ماه) ۱۰۰ نفر از کارگران معدن زغال سنگ سنگرود در واکنش به مسئولین دولتی که منجر به تعطیلی این معدن می گردد، تا ساعت ۳ بامداد روز جاری خود را در تونل شماره ۹ (واقع در ۸ کیلومتری ساختمان اداری این واحد معدنی) حبس کرده بودند. یکی از کارگران در توصیف شرایط زندگی کارگران معترض به ایلنا گفت: شرایط کار و زندگی کارگران این معدن که ۸ ماه حقوق نگرفته اند بسیار سخت شده است. آن ها دیروز با تحصن در عمق زمین به گونه ای یک اعتراض انتحاری انجام دادند چون احتمال خطر در تونل های زغال سنگ تعطیل شده بسیار بالاست.

کارگران می گویند روز گذشته مشاور نیروی انسانی "سازمان تهیه و تولید مواد معدنی" به همراه نماینده "سازمان طرح توسعه و تجهیز معادن طیس" برای انتقال نیروی انسانی و ماشین آلات و تجهیزات این معدن به یکی از معادن تازه تاسیس طیس وارد معدن سنگرود شده بودند که انتقال ابزار کار در مقابل چشم کارگران بی کار خشم آنان را برانگیخت. پیش از این، از سوی سازمان های دولتی تصمیم گرفته شده بود که پیش از انتقال تجهیزات معدن، زمینه بازنشستگی کارگران باقی مانده در معدن سنگرود فراهم شود و بر این اساس مقرر شده بود تعدادی از کارگران برای تکمیل سابقه کاری شان برای کار از منطقه رودبار در استان گیلان به معدنی در طیس واقع در استان خراسان جنوبی منتقل شوند. بر اساس گفته های کارگران، شرکت "طرح توسعه و تجهیز معادن طیس" در حالی که قصد داشت نیروی کار و تجهیزات معدن سنگرود را بدون

نرخ بیکاری در ایران بار دیگر دو رقمی شد!



به گزارش خبرگزاری هرانا، مرکز آمار ایران در گزارش جدید خود از دو رقمی شدن دوباره نرخ بیکاری در کشور در پاییز سال جاری و افزایش این شاخص به ۱۰.۵ درصد خبر داد. نرخ بیکاری در تابستان گذشته یک درصد کمتر یعنی ۹.۵ درصد بود. این مرکز تعداد بیکاران کشور در فصل پاییز گذشته را دو میلیون و ۵۲۰ هزار نفر اعلام کرد. بر اساس این گزارش که روز پنجشنبه ۱۱ دی ماه، در وبسایت رسمی مرکز آمار ایران منتشر شده است، نرخ بیکاری نسبت به فصل تابستان یک درصد و نسبت به فصل مشابه سال قبل، دو دهم درصد افزایش یافته است. نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر تا پایان آذر در میان مردان ۷.۸ درصد و در میان زنان ۳.۲۰ درصد است. این شاخص تا پایان شهریور سال جاری در میان مردان ۹.۷ درصد و در میان زنان ۱۸ درصد بود. مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور را در فصل پاییز ۷.۲۵ درصد و نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله را ۸.۲۱ درصد اعلام کرده است.

این گزارش، افراد شاغل را چنین تعریف کرده است: "تمام افراد ده ساله یا بیشتر که در طول هفته آمارگیری، حداقل یک ساعت در هفته کار کرده یا بنابه دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل حساب می شوند." این نوع تعریف و آمارگیری از زمان آغاز به کار دولت محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق ایران، مرسوم شد و تاکنون نیز ادامه دارد، در حالی که پیش از این، دولت هر کس را که دست کم دو روز در هفته کار می کرد شاغل به حساب می آورد. بنابر این، دو رقمی اعلام شدن نرخ بیکاری در ایران بدون احتساب بیکارانی که تنها در هفته یک ساعت کار کرده اند صورت گرفته است.

۱۲۰ کارگر صنایع PVC سمنان، ۶ ماه حقوق معوقه دارند!

روز شنبه ۱۳ دی ماه، ۱۲۰ کارگر کارخانه صنایع PVC سمنان از تعویق ۶ ماهه حقوق و بیمه خود خبر دادند. کارفرما دلیل عدم پرداخت حقوق به عقب افتاده کارگران را کاهش فروش عنوان می کند در حالی که کارگران می دانند که وضعیت فروش این کارخانه به نسبت سال های گذشته بهتر شده است. حتی کارفرما در ماه های اخیر برای به موقع تحویل دادن محصولاتی که سفارش گرفته است ناچار شده است که ۴۰ نفر نیروی کار جدید استخدام کند.

عدم پرداخت حق بیمه از طرف کارفرما و مستمری بازنشستگی و ۳۰ ماه حقوق معوقه کارگران!



۲۴ دی ماه گزارش داده شد که بعد از گذشت حدود ۲۱ ماه از بازنشستگی ۱۰۵ نفر از کارگران کارخانه آزمایش مرودشت، هنوز مستمری بازنشستگی همه این کارگران پرداخت نشده است. به گفته کارگران دلیل برقرار نشدن مستمری این بازنشستگان تاخیر کارفرما در پرداخت کردن ۴ درصد حق بیمه مربوط به مشاغل سخت و زیان آور بوده است. بر اساس این گزارش، ۵۲ نفر از کارگران قدیمی شاغل در کارخانه آزمایش مرودشت که در یک سال اخیر شاهد تعطیلی دو ساله کارخانه و بازگشایی این واحد تولیدی در شهریور ماه سال جاری بوده اند در سه سال اخیر ۳۰ ماه حقوق طلبکارند.

۶ ماه حقوق معوقه، ۳ ماه تعطیلی و بیکاری ۱۵۰ کارگر کارخانه سها سرام!



یکی از کارگران کارخانه "سها سرام" در اردکان روز سه شنبه ۱۶ دی ماه، اعلام کرد که: نزدیک به ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه سها سرام در اردکان، ۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند و پرداخت حق بیمه آنان به سازمان تأمین اجتماعی نیز بیش از یک سال به تعویق افتاده است. این در شرایطی است که به گفته این کارگر، از ۳ ماه گذشته کارخانه تعطیل شده و از آن زمان به بعد تمام کارگران این شرکت نتوانسته اند حقوق و معوقات خود را دریافت کنند. این کارگر در ادامه افزود: کارگران این کارخانه در یک ماهه گذشته دو بار در برابر فرمانداری یزد تجمع کرده اند تا به مطالبات شان رسیدگی کنند. اما با وجود جلساتی که توسط فرمانداری و با حضور مدیران شرکت انجام شده، هنوز هیچ اقدامی در راستای رسیدگی به وضعیت کارگران صورت نگرفته است.

کارخانه رادان کو با بالا کشیدن دسترنج کارگران، خود را منحل ساخت!

به گزارش ایلنا به تاریخ ۲۴ دی ماه، یک منبع خبری در کارخانه "رادان کو" اعلام کرد که: به دنبال انتشار آگهی انحلال واحد تولیدی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به تاریخ ۱۸ آذر ماه، انحلال کارخانه به مدیران و کارگران ابلاغ شده است. هم اکنون ۹ کارگر (۸ نفر رسمی یک نفر قراردادی) در واحد تولیدی صنعتی "رادان کو" مشغول به کار هستند که بابت ۵ ماه حقوق (ماه های مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر) از کارفرما طلبکار هستند و علاوه بر این، از آذر ماه سال گذشته تاکنون حق بیمه آنها به صورت مرتب پرداخت نشده است. این کارگر در ادامه تاکید نمود که: علاوه بر این، کارفرما بابت عیدی سال های ۹۲ و ۹۳ به کارگران بدهکار است. همچنین از دو سال پیش حق کفش و لباس کار این تعداد کارگر پرداخت نشده است، چنانچه در خرداد ماه سال جاری در خصوص پرداخت نشدن عیدی سال ۹۲، شکایت جمعی از سوی کارگران به اداره کار ارسال شد و بعد از گذشت سه ماه از طرح این شکایت، اداره کار از کارگران خواست تا شکایت خود را به صورت انفرادی مطرح کنند. این کارگر تأکید نمود که سابقه کار کارگران این کارخانه از ۱۰ تا ۲۰ سال است که با وجود سوابق بالا و نوع کار، به دلیل کوتاهی که کارفرما در پرداخت منظم حق بیمه ها داشته است هم اکنون امکان بازنشستگی از طریق مشاغل سخت و زیان آور وجود ندارند. به گزارش ایلنا، از کارگران خواسته شده است تا از اول ماه آینده دیگر به محل کار خود نیایند و از قرار، مدیر تسویه به کارگران گفته است اگر برای تسویه حساب نمی آید، بروید شکایت کنید. این مدیر می داند که دست کارگران در بوروکراسی فاسد دولتی به جایی بند نیست و تازه اگر پس از رفت و آمدهای مکرر به مراکز دولتی مربوطه و پس از گذشت مدت طولانی حتی اگر شکایت شان به جایی برسد و برنده شوند، مبلغ قابل توجهی از حقوق شان را به دست نخواهند آورد.

جان باختن یک کارگر در حین کار، بر اثر آتش سوزی کارگاه رنگرزی!

صبح روز دوشنبه ۲۲ دی ماه، در اثر وقوع آتش سوزی در یک کارگاه رنگرزی میلمان در شهرک علی آباد قاجار در شهرستان چهاردنگه، یک کارگر جان خود را از دست داد و کارگر دیگری به شدت مصدوم گشت.

کشته و زخمی شدن ۵۰ کارگر مصری در شبه جزیره سینا!

به گزارش القدس العربی، روز جمعه ۵ دی ماه، یک مسئول امنیتی مصری گفت که در اثر سقوط داربست روی کارگران مصری در یک کارخانه سیمان در مرکز شبه جزیره سینا، ۷ کارگر کشته و ۴۳ کارگر دیگر زخمی شدند.



رفع ممنوع الخروجی کارفرمایان بدهکار به تأمین اجتماعی!

نمایندگان مجلس در نشست علنی روز یکشنبه ۷ دی ماه، در جریان بررسی لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور، با ماده ۳ این لایحه مبنی بر رفع ممنوع‌الخروجی بدهکاران مالیاتی طلب‌کار از دولت تا سال ۹۵ موافقت کردند. در تبصره این ماده آمده است، سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تا پایان سال ۱۳۹۵ از ممنوع‌الخروج نمودن کارفرما و توقیف ابزار و ماشین‌آلات تولید و مواد اولیه خودداری نماید. با توجه به این‌که عدم‌پرداخت سهم کارفرما از بیمه کارگران که مشکلات عدیده‌ای برای کارگران به‌وجود آورده است یکی از مهم‌ترین بخش‌های بدهی سرمایه‌داران به تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد، می‌توان دید که تصویب این لایحه تا چه حد به ضرر کارگران بوده و در ضديت با تلاش آنان برای به‌دست‌آوردن حقوق خود برای تأمین زندگی‌شان قرار دارد.

تهدید امنیت شغلی ۴۵۰ کارگر شهید قندی یزد!

در اثر خصوصی‌سازی این کارخانه طی ۱۰ ساله اخیر، تعداد کارگران ۶۲/۵ درصد کاهش پیدا کرده و از ۱۲۰۰ نفر به ۴۵۰ نفر رسیده است. اما امروز امنیت شغلی ۴۵۰ کارگر نیز در معرض تهدید قرار دارد.

افزایش ۱۵ درصدی جان‌باختگان و ۲۸ درصدی مصدومین حوادث کار در همدان!

مدیرکل پزشکی قانونی استان همدان بر اساس آماری که روز شنبه ۲۰ دی ماه، انعکاس یافت، از کشته‌شدن ۵۱ نفر در این استان بر اثر حوادث ناشی از کار طی ۹ ماه گذشته خبر داد. تعداد جان‌باختگان حوادث کار در ۹ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۵ درصد افزایش داشته است. آمار ارائه شده از افزایش ۲۸ درصدی مجروحان سوانح حین کار اطلاع داده و می‌افزاید: ۴۴۱ نفر در سوانح ناشی از کار در ۹ ماهه سال جاری مجروح و مصدوم شدند که از نظر جنسیت ۴۳۴ نفر از مجروحان مرد و ۷ نفر زن هستند. بر مبنای این آمار، سقوط از بلندی، اصابت جسم سخت، سوختگی و کمبود اکسیژن از مهم‌ترین عوامل فوت ناشی از حوادث کار بوده است.

کارگری به‌دلیل تذکر نواقص ایمنی به کارفرما، از کار اخراج شد!

در حالی‌که دو سال از حادثه دردناک انفجار معدن یال شمالی و کشته‌شدن هشت نفر از کارگران می‌گذرد، اما هنوز برای ارتقاء کیفیت ایمنی معدن یال شمالی اقدامی صورت نگرفته است. به‌همین دلیل هم روز یکشنبه ۱۴ دی ماه، یکی از کارگران معدن یال شمالی در طیس با نوشتن نامه‌ای به کارفرما و تذکر ۲۷ مورد از مشکلات و

نواقص ایمنی موجود در معدن به وضعیت ایمنی این معدن اعتراض نمود. اما کارگر نامبرده فوراً از سوی کارفرما، اخراج شد.

تجمع اعتراضی کارگران لوله صفا همزمان در مقابل فرمانداری ساوه و محوطه کارخانه!



صبح روز یکشنبه ۲۱ دی ماه، کارگران لوله و نورد صفا در اعتراض به تعویق ۴ ماه حقوق و عدم پرداخت بیش از ۱۶ ماه حق بیمه، در دو گروه مجزا دست به تجمع اعتراضی زدند. در حالی‌که بیش از ۱۰۰ کارگر در محوطه کارخانه تجمع کرده بودند حدود ۶۰ کارگر نیز در مقابل ساختمان فرمانداری دست به تجمع اعتراضی زده و لاستیک به آتش کشیدند. بنابر این گزارش، حدود یک هزار کارگر لوله و نورد صفا از شهریور ماه امسال تاکنون حقوق نگرفته‌اند. کارفرما ماه گذشته قول داده بود مطالبات معوقه کارگران را تا روز جمعه ۵ دی ماه، پرداخت کند. کارگران می‌گویند کارفرما نه تنها مطالبات معوقه آن‌ها را در موعد مقرر پرداخت نکرده است بلکه خط تولید کارخانه را نیز از روز ۷ دی ماه تعطیل کرده است.

کارگرانی که در محوطه کارخانه دست به تجمع زده بودند نیز مبادرت به آتش‌زدن لاستیک‌های کهنه کردند. یکی از کارگران معترض در تشریح نیت همکارانش از به آتش کشیدن لاستیک در محوطه کارخانه گفت: مقام‌های محلی اعتراضات کارگران لوله و نورد صفا را نادیده می‌گیرند، بنابر این ما با به آتش کشیدن لاستیک و ایجاد دود و آلاینده‌گی سعی می‌کنیم مردم عادی را از اعتراض صنفی‌مان با خبر کنیم. وی همچنین افزود، کارگران لوله و نورد صفا روز شنبه ۲۰ دی ماه نیز در محوطه کارخانه تجمع کرده بودند. همچنین کارگران این واحد تولیدی از تاریخ ۲۷ مهر تا ۱۷ آبان و به‌مدت ۱۸ روز در اعتراض به تعویق سه ماه حقوق و بیش از ۱۶ ماه عدم پرداخت حق بیمه دست از کار کشیده بودند. کارخانه لوله و نورد صفا در مجاورت بزرگراه ساوه به تهران و در کیلومتر نهم این بزرگراه قرار گرفته است.

در ادامه این اعتراضات، صبح روز سه شنبه ۲۳ دی ماه اعلام شد که غروب روز دوشنبه ۲۲ دی ماه، قسط اول مطالبات معوقه یک هزار کارگر لوله و نورد صفا در شهرستان ساوه، پرداخت شده و همچنین کارخانه لوله و نورد صفا از صبح باز شده است اگر چه کارگران از روز بعد، تولید را آغاز می‌کنند. این در حالی است که یکی از کارگران که نخواست نام‌اش فاش شود گفت: کارگران فردا

تا حوالی ظهر کار می‌کنند و بعد از آن در صورتی تولید را ادامه می‌دهند که بیش از ۱۶ ماه بیمه معوقه‌شان پرداخت شده باشد. قبلاً هم کارگران اعلام کرده بودند که تا زمانی‌که کارفرما حق بیمه کارگران را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نکند حاضر به شروع کار نخواهند بود. کارگران این واحد می‌گویند که مسئولین تأمین اجتماعی ساوه اعلام کرده‌اند که ۱۱ ماه از بیمه سال ۱۳۹۲ و با احتساب دی ماه جاری ۹ ماه از بیمه امسال‌شان (جمعا ۲۰ ماه) به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز نشده است. با توجه به وعده‌های عمل‌نشده کارفرما کارگران می‌گویند در صورتی شروع به کار خواهیم کرد که تصفیه حساب کارفرما با تأمین اجتماعی یعنی پرداخت حق بیمه خود را بر روی سایت این سازمان مشاهده کنیم.

جان‌باختن یک کارگر جوان بر اثر سقوط در دستگاه بزرگ بتون‌ساز!



معاون منطقه چهار عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران اطلاع داد که یکی از کارگران شرکت تولیدی بتون واقع در جاده ساوه، نرسیده به بزرگراه آزادگان، روز یکشنبه ۷ دی ماه، در حین کار، به‌دلایل نامعلومی از قسمت فوقانی یک دستگاه بتون‌ساز (بچینگ) ۷ متری، به پایین و داخل مخزن این دستگاه سقوط کرد و بین دیواره و ماسه‌های داخل مخزن مدفون شد. کارگران قبل از حضور آتش‌نشانان برای نجات جان فرد مذکور و خارج کردن وی، که زیر مقدار زیادی از ماسه به عمق چهار الی پنج متر دفن شده و فقط پاهایش در زیر مخزن دستگاه دیده می‌شد، اقدام کرده و با استفاده از دستگاه هوا برش قسمتی از بدنه دستگاه را بریده بودند. ولی تلاش آنان بی‌نتیجه بود و این کارگر همچنان در زیر خوارها ماسه مدفون مانده بود. معاون عملیات در ادامه اظهارداشت: آتش‌نشانان و نجات‌گران با ایمن‌سازی محل حادثه و با استفاده از تجهیزات لازم پس از تلاش فراوان و تخلیه ماسه از اطراف پیکر این کارگر توانستند او را از داخل دستگاه بیرون آورده و تحویل عوامل اورژانس حاضر در محل دهند. عوامل اورژانس پس از انجام معاینات اولیه، متأسفانه مرگ وی را تأیید و اعلام کردند.



**برای آشنائی با دیدگاه ها و
تحلیل های چریکهای فدائی
خلق ایران از سایتهای زیر
دیدن کنید.**

**www.siahkal.com
www.ashrafdehghani.com**

**برای تماس با چریکهای فدایی خلق
ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایید**

**BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX**

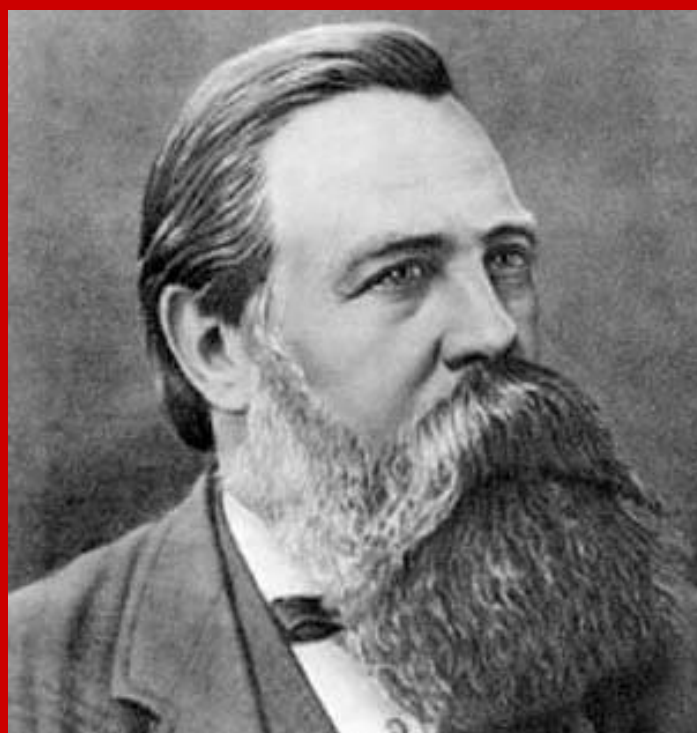
الکترونیک پست آدرس

E-mail

ipfg@hotmail.com



چریکهای فدایی خلق ایران



"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم؛ و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صدها پرولتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آن ها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیرطبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آن ها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی که آن ها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد؛ وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتل پنهانی و خائفانه، قتل که هیچ کس نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتل که ظاهراً قتل نیست، زیرا که کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی است تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است."

(فردریک انگلس، "وضع طبقه کارگر در انگلستان")

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!